مقاله
مروری

ضرورت همکاری روانپزشکان و روان شناسان با مقامات قضایی در رسیدگی به دفاع اکراه/ اجبار و اضطرار

سید ابراهیم قدسی[1]، غلامرضا شیرازی[2*]

[1]دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشیار دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
[2]دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
[*]**نویسندهٔ مسئول:** دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
پست الکترونیک: Shirazi.llb@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: *برای وقوع یک جرم اجتماع سه عنصر قانونی، مادی و روانی لازم است. عنصر روانی همان قصد و نیت مجرمانه است که بایستی توسط مقام تعقیب به اثبات برسد. یکی از مواردی که طی آن عنصر روانی جرم مخدوش می شود ارتکاب جرم تحت شرایط اکراه/ اجبار و اضطرار است. در این حالت مرتکب مدعی می شود در ارتکاب جرم رضایت و اختیار نداشته است. بررسی شرایطی که طی آن و با توجه به شخصیت مرتکب اختیار مخدوش می شود اهمیت بسزایی دارد.*

مواد و روش کار: *روش پژوهش در این نوشتارکتابخانه ای – تحلیلی و تطبیقی است. پس از جمع آوری منابع (کتابها، مقالات و قوانین) مرتبط با موضوع به بررسی و تحلیل مطالب پرداختیم.*

یافته ها: *نتیجهٔ بررسی ها نشان داد که اولاً دفاع اکراه/ اجبار و اضطرار در دو نظام حقوقی ایران و کامن لا در صورت اثبات به عنوان دفاع کامل پذیرفته شده است و ثانیاً اینکه منشأ اکراه/ اجبار همیشه انسان است و منشأ اضطرار همیشه اوضاع و احوال مادی و بیرونی می باشد. با توجه به تفاوت ویژگی های جسمانی، روانی و عاطفی افراد، تأثیر شرایط اکراه/ اجبار و اضطرار روی افراد مختلف متفاوت است.*

نتیجه گیری: *در هر دو نظام حقوقی ایران و کامن لا، دفاع اکراه/ اجبار در صورت اعتبار باعث زایل شدن مسؤلیت های کیفری و مدنی می شود. در حقوق کامن لا بر خلاف ایران دفاع اضطرار در صورت اعتبار علاوه بر زایل کردن مسؤلیت کیفری، مسؤلیت مدنی را نیز از بین می برد. به دلیل اهمیت تفاوت های فردی و ویژگی های شخصیتی افراد در تأثیر پذیری تحت شرایط اکراه/ اجبار و اضطرار و در راستای اجرای عدالت کیفری استفاده از نظرات تخصصی روانپزشکان و روانشناسان در کنار تخصص حقوقی مقامات قضایی ضروری است.*

واژه های کلیدی: *اکراه/ اجبار، اضطرار، اراده، شخصیت*

مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی سال ۹۴؛ دوره ۷ (۱): ۱۵۵-۱۴۷
Journal of North Khorasan University 2015;7(1):147-155

وصول: ۹۳/۱۱/۲۶
اصلاح: ۹۴/۲/۲
پذیرش: ۹۴/۲/۱۴

[Downloaded from journal.nkums.ac.ir on 2026-11-21]

مقدمه

برای تحقق یک پدیدهٔ مجرمانه شرایطی لازم است که از آنها به عنوان عناصر سه گانهٔ وقوع جرم یاد می شود. این عناصر سه گانه عبارتند از الف: عنصر قانونی – هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است[۱]؛ ب: عنصر روانی – اجتماع عقل، بلوغ و اختیار در شخص دارای سوء نیت[۲] و ج: عنصر مادی – بروز و ظهور بیرونی و مادی ما به ازای آنچه در ذهن شخص شکل گرفته است. پس جرم با اجتماع این سه رکن محقق می شود. به عبارتی می توان پدیدهٔ جنایی را واقعیتی قانونی- مادی- روانشناختی تعریف کرد. بدیهی است با نبود هر یک از ارکان پیش گفته اگرچه رفتار معین نمودِ خارجی پیدا کند، جرم به معنی رفتار قابل مجازات تولید نشده است.

مجازات واکنش حاکمیت عمومی یا جامعه به رفتار ضد اجتماعی است و به منظور تحمیل کیفر و تعیین مجازات مرتکب جرم، مقام تعقیب بایستی قابلیت انتساب فعل مجرمانه به فاعل و سوء نیت او را بدون هیچ شک قابل اعتنایی به اثبات برساند. با تحقق این امر مسؤلیت کیفری ناشی از جرم به مرتکب بار می شود. لذا الزام شخص به پاسخ گویی در قبال تعرض به جان، مال یا حیثیت دیگران هنگامی ظهور می کند که مرتکب قابلیت انتساب نتیجهٔ مجرمانه را دارا باشد. در پاره ای اوقات قانونگذار به دلیل وجود شرایط یا کیفیاتی مسؤلیت کیفری را از مرتکب زایل کرده و او را مستوجب تحمل کیفر نمی شناسد. از جملهٔ این شرایط قرار گرفتن مرتکب فعل مجرمانه در وضعیت اکراه اجبار و اضطرار است. اکراه/اجبار و اضطرار وضعیت و شرایطی است که فرد با قرار گرفتن در آن مرتکب فعل یا ترک فعلی می شود که در غیر اینصورت مرتکب نمی شد. افراد مختلف ممکن است با قرار گرفتن در شرایط یکسان واکنش متفاوت نشان دهند. این عکس العمل ها به توجه به ویژگی های شخصیتی متفاوت است. لذا شناخت شخصیت متهم کمک شایانی به اجرای عدالت کیفری می نماید. اصلی ترین روش برای شناخت شخصیت متهم بررسی ویژگی های پزشکی-جسمانی، روانی-عاطفی و اجتماعی اوست که با همکاری روان پزشکان، روان شناسان و مددکاران اجتماعی میسور می باشد. به عبارت دیگر ساختمان بدنی، جسمی و زیست شناسی متهم، نتیجهٔ معاینات وی از نظر روحی و روانی و انحرافات وضع اخلاقی و خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و چگونگی تعلیم و تربیت متهم [۱] در میزان تأثیر تهدید بر اختیار متهم اهمیت بسزایی دارد. در این نوشتار با توجه به اینکه قصد داریم مفاهیم اکراه/اجبار و اضطرار را بصورت تطبیقی در نظام حقوق ایران و کامن لا[۳] بررسی کنیم و تأثیر آن بر رکن معنوی را به بحث گذاشته و لزوم همکاری روان پزشکان، روان شناسان و مددکاران اجتماعی با مقامات قضایی در راستای اجرای عدالت کیفری یادآور شویم؛ آگاهانه از توضیح بیشتر در خصوص دو رکن قانونی و مادی پرهیز می کنیم. به تبعیت از قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ این مفاهیم و شرایط را با عنوان علل رافع مسؤلیت ابتدا تعریف کرده و سپس به بحث می گذاریم.

روش کار

روش پژوهش در این نوشتارکتابخانه ای – تحلیلی و تطبیقی است. پس از جمع آوری منابع (کتابها، مقالات و قوانین) مرتبط با موضوع به بررسی و تحلیل مطالب پرداختیم.

یافته ها

نتیجهٔ بررسی ها نشان داد که اولاً دفاع اکراه/ اجبار و اضطرار در دو نظام حقوقی ایران و کامن لا در صورت اثبات به عنوان دفاع کامل پذیرفته شده است و ثانیاً اینکه منشأ اکراه/ اجبار همیشه انسان است و منشأ اضطرار همیشه اوضاع و احوال مادی و بیرونی می باشد. با توجه به تفاوت ویژگی های جسمانی، روانی و عاطفی افراد، تأثیر شرایط اکراه/ اجبار و اضطرار روی افراد مختلف متفاوت است.

بحث

۱- تعریف اکراه: قانونگذار ایران اکراه را نیز همچون بسیاری دیگر از لغات و اصطلاحات حقوقی تعریف نکرده

۱- ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

۲- مادهٔ ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

3-Common Law System

[Downloaded from journal.nkums.ac.ir on 2026-11-21]

است. علمای حقوق با توجه به روح قوانین اکراه را اینگونه تعریف کرده اند:

اکراه عبارت است از وادار کردن دیگری بر انجام یا ترک عملی که از آن کراهت دارد [۲]

اکراه عبارت از فشار مادی یا معنوی است به شخص تا او را وادار به انجام عملی نمایند. اعمال اکراه نسبت به اکراه کننده، آزادی او را در سنجش نفع و ضرر موضوع اراده سلب می نماید. شخص مزبور در آن حال برای آنکه از نتایج وخیم اکراه خود را برهاند تسلیم می گردد و اراده می نماید. ایجاد اراده بدین نحو مؤثر و مولد حق یا مُسقِط آن نمی باشد [۳].

خود لفظ اکراه از باب افعال و از مصادر متعدی است به معنای واداشتن شخص به انجام کاری است که برای وی ناخوشایند باشد. این اجبار و واداشتن باید مقرون به قهر و جبر باشد. استاد محقق داماد از شیخ انصاری نقل می کند که اکراه واداشتن دیگری به کاری که بدان مایل نیست و همراه با تهدید است [۴].

اگر اکراه مستقیماً از طریق اعمال زور و صدمهٔ بدنی اکراه شده از ناحیهٔ اکراه کننده حاصل شود آنرا اکراه مادی یا فیزیکی می نامند. اکراه معنوی عبارت است از وادار کردن دیگری به انجام کار یا ترک وظیفه ای از طریق اعمال تهدید به هتک حیثیت یا شرف یا آبرو و یا افشای سری نسبت به اکراه شونده و یا بستگان او [۲]

اکراه[1] عبارت است از فشار غیر قانونی بر روی یک شخص برای انجام آنچه که او در غیر اینصورت – نبودِ فشار غیر قانونی – انجام نمی داد. این فشار غیر قانونی شامل استفاده از زور، تهدید به خشونت و حصر فیزیکی می شود [۵].

از مجموع تعاریف فوق چنین استنباط می شود که منشأ خطر و تهدید همیشه انسان است (شخص دیگری) و بنابراین عامل خارجی محسوب است. این شخص ثالث گاه ممکن است از ضعف شخصیت (درونی- مثلاً افشای یک راز) اکراه شونده استفاده کند و او را تحت فشار و نتیجتاً تأثیر قرار دهد و گاهی با بکارگیری قدرت و توانایی خود یا سؤ استفاده از موقعیت خود اکراه شونده را وسیلهٔ ارتکاب جرم قرار دهد. دو مثال در این خصوص روشنگر خواهد بود. فرض کنیم شخص الف شخص ب را از طریق تهدید به انتشار فیلم عریان، مجبور می کند رمز گاوصندوق کارفرما را دراختیار سارقان قرار دهد یا اینکه سارق بانک با گذاشتن اسلحه روی شقیقهٔ کارمند، او را وادار به جمع آوری موجودی صندوق و حمل آن تا خروجی بانک می نماید. بدیهی است با توجه به تفاوتهای فردی، تأثیر تهدید روی افراد یکسان نبوده و بر اساس ویژگیهای جسمی،روانی، عاطفی و اجتماعی افراد متفاوت است.

۱-۱- شرایط تحقق اکراه: مادهٔ ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تنها یک شرط را برای تحقق اکراه به صراحت اعلام کرده است و آن "غیر قابل تحمل بودن" است. شافعی عدم توانایی بر مخالفت و هراس شخص مکرَه از ضرب شدید یا بالاتر یا کشته شدن را از شرایط تحقق اکراه دانسته است [۶].

شمس الدین سرخسی و عبدالقادر عوده شرایط تحقق اکراه را زوال رضا و فساد اختیار می دانند [۴].

از جملهٔ شرایط تحقق اکراه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

فعلیت داشتن یا قریب الوقوع بودن تهدید

قدرت و توانایی اکراه کننده به عملی ساختن تهدیدات خود

ظنّ غالب اکراه شونده به عملی شدن تهدید در صورت امتناع از انجام درخواست اکراه کننده

عدم توانایی اکراه شونده بر دفع تهدیدات اکراه کننده و نامشروع بودن تهدید.

در حقوق کامن لا، اکراه نوعی دفاع محسوب می شود بدین ترتیب که متهم با اختیار و اراده رکن مادی جرم را مرتکب نشده است. متهم در صورتی که ثابت کند به خاطر تهدیدهایی که شخص دیگری نسبت به او انجام داده است مرتکب جرم شده، می تواند از خود دفاع کند. اکراه در صورتی قابل پذیرش است که متهم ثابت کند:

الف) اکراه کننده او را با تهدید مجبور به اقدام مجرمانه کرده است به نحوی که به طور منطقی و معقول و متعارف گمان می کرد که اگر خواستهٔ تهدید کننده (همان فعل مجرمانه) را اجابت نکند به قتل می رسید یا آسیب جدی می دید.

1 -Duress

[Downloaded from journal.nkums.ac.ir on 2026-11-21]

ب) یک شخص متعارف در آن شرایط تهدید آمیز همان رفتار (اقدام به ارتکاب فعل مجرمانه) را انجام می داده است.

ج) تهدید بایستی نسبت به حیات(تهدید به مرگ) یا آسیب شدید بدنی باشد.

د) تهدید به مرگ یا آسیب جدی نسبت به خود متهم یا اشخاصی که تحت حمایت (تکفل) او هستند و حتی در شرایطی شامل اشخاص غریبه نیز می شود.

در موارد زیر اکراه دفاع محسوب نمی شود:

الف) متهم قبل از ارتکاب جرم فرصتی داشته باشد که از پیامدهای مورد تهدید اجتناب کند.

ب) منشأ تهدید یک گروه سازمان یافته تبهکاران یا تروریست باشد که متهم با علم به اینکه ممکن است چنین تهدیدهایی در آن باشد داوطلبانه به آن پیوسته باشد.

ج) در جرایم قتل عمد یا شروع به قتل عمد [۷]

به نظر تفاوت آشکاری میان دو اصطلاح اکراه و اجبار وجود ندارد. البته بعضی از اساتید بین این دو اصطلاح تفاوت ماهوی قایل شده اند اما هیچ توضیحی در خصوص موضوع ارایه نکرده اند: "قانونگذار ایران اکراه و اجبار را – علی رغم تفاوت ماهوی بین آنها – در کنار یکدیگر و به صورت مترادف به کار برده اند. این امر بیانگر این موضوع است که قانونگذار جزایی بر خلاف واضعین حقوق مدنی از نظر آثار کیفری تفاوتی بین این دو نهاد جزایی اکراه و اجبار قایل نشده اند. اکراه می تواند به نوعی از مصادیق اجبار معنوی تلقی شود".[۴]

بعضی دیگر از اساتید در بیان تفاوت میان این دو، قاصد بودن و قاصد نبودن را مطرح کرده اند که صحیح به نظر نمی رسد. از جمله اینکه می نویسند بنابر این اکراه یک فشار نامشروع مادی یا معنوی غیر عادی است که در آن اکراه شونده فاقد رضای باطنی است. از همین جا تفاوت بین اکراه و اجبار مشخص می شود چرا که "رضا" در شخص مکره وجود ندارد زیرا "فشار نامشروع مادی و معنوی غیر عادی" باعث شده که این رکن از او ساقط شود ولی شخص مکرَه با وصف عدم رضای درونی"قصد عمل مجرمانه یا ترک فعلی" که جرم است را دارد. در حالیکه در اجبار علاوه بر ساقط شدن"رضا" در شخص مجبور"قصد ارتکاب بزه یا قصد ترک فعلی" که جرم است نیز در شخص مرتکب وجود ندارد و تهدید و ارعاب و وسایل مادی و معنوی شخص مجبور کننده قهراً و به زور او را تسلیم عمل جابرانه می کند. به همین جهت به نظر می رسد که مترادف قرار دادن "اجبار" و "اکراه" در آثار برخی از مؤلفین مقبول نبوده و اجبار شدیدتر از اکراه است [۸] در توجیه اکراه به عنوان یک دفاع می توان گفت حقوق نمی تواند انتظار داشته باشد که احاد جامعه در برابر تهدید به مرگ یا صدمهٔ بدنی شدید دلاورانه رفتار کنند. بعلاوه شخصی که در پاسخ به تهدید شدید مرتکب جرم می شود، قصد مجرمانه ندارد. همچنین رفتار اشخاص تحت شرایط اکراه غیر داوطلبانه است نه داوطلبانه [۹]

۲-۱- اختیار و اراده: اراده به عنوان منشأِ فعل اهمیت بسزایی دارد. انسان‌ها در اراده خود دارای هدف و انگیزه بیرونی هستند. اراده در انسان مسبوق به مبادی سه‌گانه: تصور، تصدیق به منفعت و مصلحت در فعل است. با توجه به اینکه اراده به عنوان مبدأ فعل اهمیت دارد، شناخت معنا و نیز عواملی که در شکل‌گیری آن مؤثر است، ضروری به نظر می‌رسد. هر انسانی بالوجدان درمی‌یابد که در درون او گاه کشش به‌سوی برخی امور وجود دارد و او را به انجام کاری سوق می‌دهد و موجب تحقق آن فعل در خارج می‌شود؛ با این توضیح که انسان نسبت به انجام فعل یا ترک آن قادر می‌باشد و هر دو حالت انجام و ترک نسبت به قدرت صورت تساوی دارند؛ اما آنچه باعث تحقق و ترجیح یک طرف می‌شود، اعتقاد به وجود منفعتی در فعل یا مفسده در ترک آن است. ازاین‌رو نفس انسان به‌واسطه اراده، طرفی را که مصلحت در آن نهفته است، اختیار می‌کند. پس هرگاه در قلب اعتقاد به نفع نسبت به یکی از طرفین حاصل شود، آن طرف ترجیح می‌یابد و فاعل مختار می‌گردد [۱۰]. فعل ابتدا از سوی فاعل تصور می‌شود؛ سپس فایده آن مورد تصدیق قرار می‌گیرد. پس از حصول این دو علم تصوری و تصدیقی، در فاعل حالت شوق نسبت به انجام فعل پدید می‌آید. پس از شدت یافتن شوق، اراده آن به‌وقوع می‌پیوندد و درپی اراده، عضلات بدن به‌منظور انجام فعل به حرکت درمی‌آید. میان میل و اراده تفاوت‌هایی وجود دارد که استاد مطهری به‌تفصیل به

[Downloaded from journal.nkums.ac.ir on 2026-11-21]

آن پاسخ گفته است. ایشان معتقدند میل، جاذبه و کششی است میان انسان و یک عامل خارجی که انسان را به‌سوی آن شیء خارجی می‌کشاند؛ مانند میل به جنس مخالف. اما اراده به درون مربوط است، نه بیرون. اراده یک رابطه میان انسان و عالم بیرون نیست. گاهی انسان کاری را اراده می‌کند که خلاف میل اوست؛ مانند فردی که رژیم غذایی دارد و سر سفره نشسته، با وجود اینکه میل، او را به طرف غذا می‌کشد، اما از خوردن غذا خودداری می‌کند. پس اراده نیرویی است در انسان که همه میل‌ها و ضدمیل‌ها و کشش‌ها و تنفرها، خوف‌ها و ترس‌ها را تحت اختیار خود قرار می‌دهد و نمی‌گذارد که یک میل یا ضدمیل انسان را به یک طرف بکشد [۱۱].

با توجه به تعاریف لغوی و اصطلاحی که از واژه اختیار ارائه شده، مشخص می‌شود که اختیار دارای سه رکن است:

- وجود فرد صاحب اختیار.
- وجود امور متعدد اعم از خیر و شر، نیک و بد، حَسن و قبیح.
- گزینش و انتخاب امر خیر و کار پسندیده و نیک.

اختیار در برابر ناچاری و اضطرار: گاه انسان در اوضاع، احوال و شرایط خاصی قرار می‌گیرد که از روی ناچاری به عملی دست می‌زند؛ مانند خوردن مردار.

اختیار در برابر اکراه: گاه انسان با اینکه خود هیچ تمایلی به انجام کاری ندارد یا نسبت به کاری تنفر دارد، فردی او را تهدید می‌کند و وی را به انجام آن کار وامی‌دارد.

اختیار به‌معنای رضایت و رغبت انجام دادن: در این کاربرد، سنجش و گزینش ضرورت ندارد؛ بلکه همین‌که ناچاری و اکراه در کار نباشد و کار با خواست و رضایت شخص انجام گیرد، کافی است تا آن را اختیاری بنامیم. اختیار در کارهای خدا و فرشتگان از این نوع است [۱۲].

البته واضح است که صرف داشتن اختیار فاعل منجر به ظهور فعل نمی‌گردد؛ بلکه آنچه ارتباط مستقیم با تحقق و ظهور فعل دارد، اراده است. مختار به دو طرف یک امر، یعنی انجام و ترک آن نظر دارد؛ درحالی‌که مرید به طرفی که اراده کرده است، توجه دارد؛ چنان که محقق لاهیجی بر وجود این تفاوت بین اختیار و اراده اذعان کرده و می گوید اختیار، انتخاب یکی از دو طرف فعل یا ترک و میل به‌سوی آن است و اراده، قصد صدور آنچه که انتخاب کرده و به‌سوی آن میل پیدا کرده است، می‌باشد [۱۳]. بنابراین می توان فعل ارادی انسان از جهتی به دو گروه تقسیم کرد:

الف) فعلی که از روی اختیار فاعل صادر شده باشد؛ یعنی ترجیح، رضایت و انتخاب فعل، مستند به نفس است.

ب) فعلی که به اجبار مجبورکننده ای انجام شود؛ یعنی ترجیح صدور فعل به انتخاب، رضایت و اختیار فاعل نباشد، اما فاعلْ به‌اجبار اراده انجام آن را کرده باشد. به‌دلیل همبستگی و ارتباط خاصی که میان اختیار و اراده وجود دارد، تشخیص مرز حقیقی میان این‌دو بسیار مشکل است. ازاین‌رو برخی متفکران و صاحب‌نظران میان اراده و اختیار تفاوتی قائل نیستند و اختیار را همان اراده و اراده را همان اختیار می‌دانند؛ درحالی‌که واضح است صرف داشتن اختیار فاعل منجر به ظهور فعل نمی‌گردد؛ بلکه آنچه ارتباط مستقیم با تحقق و ظهور فعل دارد، اراده است. مختار به دو طرف یک امر، یعنی انجام و ترک آن نظر دارد؛ درحالی‌که مرید به طرفی که اراده کرده است، توجه دارد [۱۴] اختیار یکی از شروط تکلیف است یعنی نمی توان کسی را که در افعالش مختار نیست مکلف به حفظ و احترام به جان، مال، عرض و ناموس مردم دانست. تشخیص اینکه ظرفیت روانی و توانایی فرد در مقابله با تهدید تا چه درجه ای است نیازمند تحلیل روانشناختی و سنجش روانی است و این امری کاملاً تخصصی می باشد.

۲- اضطرار: اضطرار از باب افتعال بیانگر یک وضعیّت یا شرایط است. این وضعیت و شرایط ، موقعیتی تهدید آمیز است که اگر شخص در آن قرار گیرد ناچار به انجام عمل یا ترک فعلی می شود. عامل بوجود آورندۀ این وضعیت معمولاً طبیعی است اما بعید نیست که عامل انسانی نیز بوجود آورندۀ موقعیت تهدید آمیز باشد. استاد عبدالقادر عوده اضطرار را واقع شدن شخص تحت شرایطی و موقعیت تهدید آمیز دانسته است که خروج از آن مقتضی ارتکاب فعلی باشد [۱۵]شرایط و موقعیت مورد نظر وی اغلب ناظر به عوامل تهدید آمیز طبیعی است و شامل عامل انسانی تهدید کننده نمی شود. با این تعریف، اضطرار از اکراه – که در آن منشأ خطر و تهدید یک عامل انسانی است، ممتاز می شود. با وجود این باید توجه داشت که اضطرارنه بر شرایط و موقعیت تهدید آمیز قابل اطلاق

[Downloaded from journal.nkums.ac.ir on 2026-11-21]

است و نه بر صرف وجود شخص در آن شرایط و موقعیت، بلکه اضطرار صفتی است که در اثر قرار گرفتن شخص در آن شرایط و موقعیت، بر وی عارض می شود [۴]. اضطرار عبارت از پیش آمدن وضعی است که نگهداری حق و یا مالی ملازمه با آسیب رسانیدن به مال غیر و بالنتیجه جرم دارد [۱۶]. بدین ترتیب شخص مضطر در اختیار بین دو امر حادث ناگزیر به انتخاب یکی از آن دو هست که جرم می باشد زیرا هر چند که با میل و اراده دست به چنین کاری می زند ولی به علت وجود تنگنا و فشاری که از درون بر او وارد می شود بر سر دوراهی واقع شده و انتخاب می کند به اینکه مقاومت و ایثار کند و یا برای فرار از مهلکه و مخمصه خطری که او را تهدید می نماید، به فعل مجرمانه روی می آورد [۸]. اضطرار یک حالت است حالت ناچاری و ناعلاجی در امری که در آن تهدید وجود ندارد ولی اوضاع و احوال برای انجام یک عمل طوری است که با وصف فقدان "رضا" علیرغم میل باطنی از روی قصد آنرا انجام می دهد و از مواردی است که محرمات بدان مباح و واجبات حرام می گردد [۱۷] تهدید، ارعاب، آزار ، صدمه و اعمال قهرآمیز عوامل مهم خارجی در ایجاد اکراه/اجبار است ولی عامل محقق شدن اضطرار همان در تنگنا قرار گرفتن و ناچار شدن است. مادۀ ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پنج شرط را برای ایجاد و پذیرش نهاد اضطرار به عنوان دفاع مقرر کرده است: الف) خطر باید شدید باشد یعنی شخص خود را در وضعیتی احساس کند که در آن بیم تلف جان یا عضو وجود داشته باشد. ب) خطر فعلی یا قریب الوقوع باشد یعنی به درجه ای از فعلیت رسیده و احتمال عقلایی به بروز آن باشد. ج) خود مُضطر خطر را ایجاد نکرده باشد. کسی که با اقدامات عمدی خود موجب ایجاد وضعیت خطر ناک شده باشد، نمی تواند به نهاد حقوقی اضطرار متوسل شود. د) رفتار ارتکابی مجرمانه باید با خطر موجود متناسب باشد. عمل ارتکابی باید به قدر نیاز و متناسب با اوضاع و احوال قضیه باشد. ه) رفتار ارتکابی مجرمانه باید ضرورت داشته باشد، به عبارت دیگر تنها راه دفع ضرر و نجات جان یا مال انجام فعل منظور باشد. لذا اگر قوای دولتی در دسترس باشد یا فرار موفق از صحنه میسر باشد، ارتکاب فعل مجرمانه توجیه ندارد.

اضطرار به عنوان یک دفاع عام و کلی در حقوق انگلستان پذیرفته نشده است. با اینحال دادگاهها شکل محدودی از اضطرار را به رسمیت شناخته است که از آن به عنوان اکراه ناشی از اوضاع و احوال نام می برد. این شرایط آنجا فراهم است که متهم در نتیجۀ تهدید های شخص دیگر مرتکب فعل مجرمانه نمی شود بلکه در واکنش به شرایطی که او در آن قرار گرفته است واقع می شود. شرایط سبب شونده باید نسبت به متهم خارجی باشد. از اینرو این دفاع نیز تابع همان معیار شخصی و نوعی است [۷].

اضطرار اغلب به وضعیتی دلالت می کند که آن وضعیت مستلزم اقدامی است که در حالت عادی غیر قانونی بوده یا موجب تحمیل مسؤلیت مدنی به او می شد. اضطرار مشابه اکراه است، با این حال در حالیکه اکراه از طریق فشار و تهدید انسان ایجاد می شود، اضطرار بوسیلۀ نیروهای طبیعی خلق می شود. هنگامی که یک شخص با دو گزینه مواجه می شود که هردوی آنها مستلزم ضرر است، او باید ضرر کمتر را انتخاب کند. اضطرار مفهومی وسیع دارد. در یک تعریف کلی، هر زمان و در هر مکان که شخص بین انتخاب یکی از دو بَدی (شَرّاضرر) گرفتار شود، می توان گفت او مضطر شده است. ضرری که از آن اجتناب می شود لزوماً ضرر جانی نیست بلکه ممکن است ضرر مالی باشد. البته انتخاب ضرر جانی در برابر ضرر مالی هرگز توجیه پذیر نیست. اگر گزینۀ انتخاب نشده ضرر کمتری نسبت به منتخب داشته باشد، دفاع نامعتبر است [۵].

نتیجه گیری

نهاد حقوقی اکراه/ اجبار در هر دو نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و کامن لا مشترک است. در هر دوی این نظامها منشأ خطر و تهدید همیشه انسان (شخص دیگری) است و لذا یک عامل خارجی محسوب می شود. اکراه/ اجبار در این نظامهای حقوقی دفاع کامل محسوب می شود و اگر معتبر باشد تمام مسؤلیتها اعم از کیفری و مدنی را زایل می کند. شرایط تحقق اکراه/ اجبار مشترک است. این شرایط عبارتند از قریب الوقوع بودن، قدرت و توانایی اکراه کننده به عملی ساختن تهدیدات خود، عدم توانایی اکراه شونده به دفع تهدیدات از طریقی دیگر غیر از ارتکاب فعل مجرمانه، تهدید بایستی نسبت به خودِ شخص یا افراد تحت تکفل و در بعضی موارد افراد غریبه باشد.

[Downloaded from journal.nkums.ac.ir on 2026-11-21]

متهم به قتل عمد نمی تواند به دفاع اکراه متوسل شود حتی آنجا که تهدید به قتل چند نفر در برابر یک نفر باشد. در حقوق کامن لا تهدید بایستی نسبت به حیات یا آسیب شدید بدنی باشد در حالیکه در حقوق جمهوری اسلامی ایران تهدید به هتک حیثیت یا شرف و آبرو نیز می تواند منشأ اکراه باشد.

در خصوص اضطرار هر دو نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و کامن لا منشأ خطر را عامل بیرونی می دانند. این نظامهای حقوقی اضطرار را نوعی اکراه ناشی از اوضاع و احوال بیرونی قلمداد می کنند. در مورد زایل شدن مسؤلیت های مرتکب با توسل به دفاع اضطرار، حُکم متفاوت است. دفاع اضطرار در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، در صورت اعتبار، موجب زایل شدن مسؤلیت کیفری می شود و مسؤلیت مدنی باقی می ماند. در حالیکه در نظام حقوقی کامن لا دفاع اضطرار در صورت اعتبار هر نوع مسؤلیت اعم از کیفر و مدنی را زایل می کند.

با پذیرش نهادهای اکراه/ اجبار و اضطرار به عنوان دفاع، قانونگذار جمهوری اسلامی ایران بر این باور بوده است که تنها بر اساس ارتکاب فعل مجرمانه نمی توان مسؤلیت کیفری را متوجه مرتکب دانست. این دو نهاد حقوقی (اکراه/ اجبار و اضطرار) در واقع شرایطی است که در آن مرتکب فعل مجرمانه اگر چه اراده می کند که عنصر مادی محقق شود لیکن در هیچکدام اختیار و رضایت ندارد. بدیهی است که شرایط یکسان تأثیر مشابه روی افراد مختلف نمی گذارد، به عبارت دیگر افراد مختلف با ویژگیهای متفاوت به یک تهدید یا اضطرار واکنش مشابه بروز نمی دهند. این تفاوت در عکس العمل ناشی از متنوع بودن ویژگیهای شخصیتی افراد است. لذا زایل کردن مسؤلیت کیفری از یک متهم بدون در نظر گرفتن سوابق و ویژگیهای شخصیتی او دور از عدالت کیفری و اثرات اجتماعی نامطلوبی در پی دارد. لزوم تشکیل پروندۀ شخصیت مصرح در مادۀ ۲۰۳ قانون آیین دادرس کیفری مصوب ۱۳۹۲ تأیید و تأکید بر این ادعا است که گزارشات پزشکی و روان پزشکی در کنار اظهار نظر های روان شناسان و مددکاران اجتماعی در خصوص وضع جسمی، روانی، عاطفی، خانوادگی و اجتماعی متهم معیار تأثیر شرایط بر رضایت، اختیار و ارداۀ متهم است. به دیگر سخن استفاده از نظرات تخصصی پزشک، روان پزشک، روان شناس و مددکار اجتماعی در کنار تخصص حقوقی مقامات قضایی از ضروریات دادرسی عادلانه بوده و به بهترین وجه معیار نوعی- شخصی را در رسیدگی به دفاع اکراه/ اجبار و اضطرار به منصۀ ظهور می رساند.

[Downloaded from journal.nkums.ac.ir on 2026-11-21]

References

1. Mohammadian S, Mohammadrezapour B, Personality Dossier Necessity in Iran Criminal Process, Scientific journal of medical jurisprudence2013;19(2-3):329-340[Persian].
2. Validi MS., Criminal law, criminal responsibility, Amir kabir Publication, Tehran, 1987[Persian].
3. Emami SS., civil law, vol.4, 4th. Ed., Eslamie Publication, Tehran, 1973[Persian].
4. Mohaghigh Damad SM., The Rules of Islamic Jurisprudence, 3rd.Ed., I.S.P.C. Tehran, 2002 [Persian].
5. Daniel E. Hall., Criminal law and Procedure, 6 th Ed., Delmar Cengage Learning, New York, 2011.
6. Alshafeei ME., Ketabalom, Bulaq, Vol. 7, 1935, A. H.
7. Martin H., A Level and As Level Law, Sweet and Maxwell Ltd., 2000.
8. Shambayati H., General Criminal Law, Vol.2, 3rd.Ed., Vistar Publication, Tehran,1993.
9. Lippman M., Contemporary Criminal Law, Second Ed. , Sage Publication, London, 2010.
10. Sobhani J., Religious Issues Based on Holy Qoran , Sunnah and Wisdom 1st. Vol., Imam Sadegh(P.U.H.), Institution Publication,2005[Persian].
11. Motahhari M., The Philosophy of Ethics, 15 Khordad Institution Publication, Tehran, 1983[Persian].
12. Rajabi M., Anthropology, Imam Khomeini Educational and Research Foundation Publication, Qom.2000[Persian].
13. Lahigi F., Inner Inspiration on Description of Separation of Body and Soul, Mahdavi Publication, Isfahan,(P. A.) [Persian].
14. Amigh M., An Investigation in the Truth of Human Will, Journal of Religious Human Research 2014;10:30[Persian].
15. Odeh A., Islamic Criminal Law, Beesat Publication, Tehran,1403, A.H.
16. Aliabadi A., criminal law, Vol.2., Ferdosi publication, Tehran, 1988[Persian].
17. Nasiri Savadkohi F., A Coparative Survey of Duress, Obligation and Necessity in Iran and Islamic Jurisprudence, Rozname Rasmi Publication, Tehran,2001[Persian].

[Downloaded from journal.nkums.ac.ir on 2026-11-21]

The requirement of psychiatrists' and psychologists' cooperation with the prosecution authorities in addressing the defense of duress/compulsion and necessity

Ghodsi S.E.[1], *Shirazi GH.R*[2]*

[1]Ph.D of criminal law and criminology, Associate Professor in Faculty of law, Mazandaran University, Babolsar, Iran.
[2]Corresponding author: Ph.D student of criminal law and criminology, Faculty of law, Mazandaran University, Babolsar, Iran.
***Corresponding Author:** Mazandaran University, Babolsar, Iran.
Email: Shirazi.llb@gmail.com

Review Article

Journal of North Khorasan University 2015;7(1):147-155

Abstract

Background & Objectives: *Three elements - legal, physical and mental – are required to commit a crime. The mental element or guilty intent must be proved by the prosecution. Commitment of crimes under duress and necessity causes not to form the required mental element. This is where the defendant claim that he/she was not consent and has not free will in committing the crime. Considering the circumstances and personality affecting the free will is of much importance.*

Materials and Methods: *This is a comparative – analytical library study. To do so, after collecting related books, articles and codes they were compared and analyzed.*

Results: *The survey results that the defense of duress and necessity are accepted in both Iran's and common law systems and if established, is a complete defense. Human being is always the source of duress, while circumstance is the source of necessity. Based on the differences in physical, mental and feeling features, the impact of duress and necessity are different on people.*

Conclusion: *Duress if proved, spoils criminal and civil liability. In common law, contrary to Iran, the defense of necessity if valid, will spoil both criminal and civil responsibility. Individual differences and personality distinctions influenced by duress and necessity are so important that to apply criminal justice the prosecution officials must have psychologists' and psycho rapists' scientific comment.*

Key words: *duress/compulsion, necessity, free will, personality*

Recivied:15 Feb 2015
Revised:22 Apr 2015
Accepted:4 May 2015

[Downloaded from journal.nkums.ac.ir on 2026-11-21]